

فضول باشی و حرمت شکنی

فضول باشی تا از در وارد شد بدون مقدمه گفت: چرا بیخیال شدی و راحت نشسته‌ای؟ کاری بکن و عکس‌العملی نشون بده، مگر خبر نداری که در فضای مجازی صفحات جعلی و بی‌هویت راه انداخته‌اند تا فقط تو را بکوبند و تخریب بکنند. یک چیزی بگو و یا چیزی بنویس. چه کسانی پشت این صفحات هستند و اصلاً ریشه دشمنی و مخالفت آن‌ها با شما چیست؟

گفتم: فضول‌باشی از تعصب تو سپاسگزارم ولی بگذار کسانی که می‌خواهند با تخریب و تهدید و پشت نقاب خودی نشان بدهند کارشان را بکنند و لذتش را ببرند. آن‌ها اگر افرادی سالم و شجاع بودند که با نام حقیقی می‌آمدند و مطلب می‌نوشتند. به خدا قرار نیست همه یکجور فکر کنند و نظرشان به برخی از پدیده‌ها یکسان باشد. چرا می‌خواهیم درب نقد و تحلیل را تخته بکنیم و با دروغ‌پردازی عرصه را برای منتقدان تنگ نماییم.

گفت: باید از روش کار و نوع پروژه‌ای که حضرات مورد استفاده قرار می‌دهند کسانی را که پشت این تخریب‌ها هستند بشناسی و اگر روزی به نتیجه رسیدی باید نسبت به معرفی آن‌ها در سطح جامعه و قوه قضاییه اقدام کنی ولی آیا تاکنون در مورد شناسایی آن‌ها به نتیجه‌ای رسیده‌ای؟

گفتم: فضول‌باشی شواهد زیادی هست که با توجه به آن‌ها ردپاهایی را می‌توان شناسایی کرد. این‌گونه رفتارها معمولاً بعد از انتقادهایی که از برخی از مجموعه‌ها و یا مدیران انجام می‌شود آغاز می‌گردد و این موردی را که تو اشاره کردی درست بعد از انتشار یک استوری آغاز شد و دقیقاً کسانی که پشت این قضیه‌اند مشخص هستند ولی بیخیال، من باز در بیان واقعیت‌ها کوتاهی نخواهم کرد و مسلماً آن‌ها نیز از پشت نقاب و در تاریکی مطلق برای شکستن قلم و بریدن زبان در اتاق فکرشان برنامه‌ریزی خواهند کرد.

آن‌ها که سودای مدیریت‌های کلان را در سر می‌پرورانند به هر کاری دست می‌زنند. کسانی که به خیال خودشان حلقه تشکیل می‌دهند و برای قبضه کردن برخی جایگاه‌های مدیریتی نقشه‌ها می‌کشند برای ساکت کردن کسانی که فکر می‌کنند در رسیدن به هدف سد راهشان بشوند هر اقدامی را مباح می‌دانند، دروغ بگویند، حرمت‌شکنی بکنند، خیال‌باغ بشوند،

شمشیرها را از رو ببندند و هرروز یک صفحه جعلی راه بیندازند و برخلاف ادعا و ظاهر فریبنده‌شان اقدام نکنند.

فضول باشی گفت: تو عجب دل پری داری، راست می‌گویی وقتی انسان از خودی‌ها بخورد تحملش بسیار سخت و طاقت‌فرسا می‌شود. باید به کسانی دست‌مریزاد گفت که با شجاعت کامل و با هویتی آشکار می‌آیند و حرف دلشان را می‌زنند و باید هزاران و هزاران تأسف خورد به کسانی که خیلی ادعا دارند ولی پهلوان پنبه‌ای بیش نیستند.

گفتم: فضول باشی عزیز، من که خود را به همه‌هایی پرچم آماده کرده‌ام، چراکه به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۳ برخی از نوشته‌های ما به مذاق قدرقدرتان از خودراضی خوش نیاید و موج دیگری از حرمت‌شکنی‌ها و تخریب‌ها آغاز گردد ولی باکی نیست هر کسی که خریزه می‌خورد باید پای لرزش هم بنشیند.